روایت من

دلالی از درون تاکسی تا کاخ سفید

بهروز بهزادی
behzadi_behrooz@yahoo.com

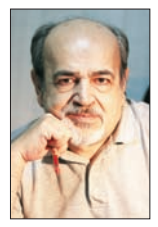

روایت من یک ستون ثابت است. در این ستون مسائل مهم که در حاشیه مانده‌اند، به بحث و تحلیل گذاشته می‌شود. ستون‌های ثابت معمولاً دیدگاه‌های نویسنده را بازتاب می‌دهند. آنچه در این ستون می‌آید تایید یا تکذیب نظرات هیچ جناح، حزب یا گروهی نیست، بلکه حرف‌هایی است که از یک قلب عاشق رشد، توسعه و بالندگی ایران‌زمین برمی‌خیزد.

دلالی از درون تاکسی تا کاخ سفید و کنگره امریکا

در تاکسی خطی نشسته بودم که مسافری صحبت‌کنان با موبایل وارد شد. چکیده صحبت‌های او این بود که از طرف مقابل که یک تکنسین در خدمت او بود، غیر از ۳۰ درصد مورد قرارداد مبلغ بیشتری برای یکی از کارها می‌خواست. می‌گفت: «من با طرف ۲۰ تومان طی کرده بودم تا پنج هزار تومان اضافی را خودم بگیرم. ولی تو چرا ۱۵ هزار تومان گرفتی؟ حالا که چنین شده است چهار هزار و ۵۰۰ تومانی را که به عنوان درصد باید به من بدهی، با آن پنج هزار تومان جمع کن و سهم مرا که ۹/۵ هزار تومان می‌شود همین امروز بده تا تنبیه بشوی.» برایم مسلم شد که او یک دلال البته از نوع کلاهبردارش است. یاد یکی از تجار فرش سرای بوعلی تهران افتادم که می‌گفت جان ما فرش‌فروش‌ها از دست دلال‌ها به عذاب است. مشتری را در بازار گول می‌زنند که بنگاه فرش دارند و آنان را نزد ما می‌آورند و بین سه تا پنج درصد حق دلالی می‌گیرند. او می‌گفت شب قبل ۱۰ میلیون فرش فروخته است که ۵۰۰ هزار تومان مفت مسلم به دلال رسیده و جالب این است که سود خودی ۳۰۰ هزار تومان شده است. وی باز می‌گفت که ما باید اجاره، پول آب و برق و سایر هزینه‌ها را بدهیم ولی آقای دلال فقط به صرف زبان‌بازی سودی بیشتر از ما به چنگ می آورد که این مبلغ می‌شد به مشتری تخفیف داده شود.آنچه تا اینجا نوشتم، چیز عجیبی نیست چراکه دلالان در مملکت ما از مرفه‌ترین اقشار هستند و کار آنها که در حوزه‌های بسیاری جاری است، باعث بیمار شدن اقتصاد کشور می‌شود. این دلال‌ها همه‌جا هستند، حتی در کارهای بزرگ مثل خرید هواپیما و دارو برای کشور. به یاد می‌آورم که یکی از خلبانان بازنشسته در سایت خود نوشته بود که همین هواپیمای توپولف را دلالان باعث شده‌اند که ما بخریم که حتماً در فرصتی به اصل آن خواهم پرداخت ولی عجالتاً به یک نوع سیاسی دلالی اشاره کنم و آن، آقایانی هستند که در امریکا خود را لابی ایران معرفی می‌کنند و مدعی‌اند که در کاخ سفید و کنگره نفوذ فراوانی دارند.این آقایان که نام‌شان شناخته شده است و تبلیغات‌شان گوش فلک را کر می‌کند، باید اکنون پاسخ دهند که نفوذ فزاینده‌شان در کاخ سفید و کنگره امریکا چگونه است که از میان آن، چنین تحریم‌هایی بیرون می‌آید. من چیزی نمی‌توانم بگویم جز اینکه این آقایان هم از جنس همان دلالان‌اند، ولی با کت و شلوار و جلیقه و عطر و ادوکلن و باقی قضایا.

حرف‌های مدیرمسوول کیهان درباره انتخابات و خاتمی

آقای حسین شریعتمداری مدیرمسوول روزنامه کیهان درباره انتخابات و محمد خاتمی حرف‌های تازه‌ای زده است که بسیار مورد توجه همسویان وی و طرفداران دولت قرار گرفته و آن را به نقل از «ایرنا» در سایت‌ها و میل‌های خود دانلود و ری‌ای‌میل می‌کنند.گزارش این سخنان که در سلسله بحث‌های بصیرت در مسجد اهل بیت(ع) قم ایراد شده است، حاکی است که شریعتمداری گفته است امروز مدیریت اصلی فتنه یعنی مثلث امریکا، انگلیس و اسرائیل از فتنه‌گران ناامید شده‌اند و تاریخ مصرف سران فتنه نیز تمام شده است.او افزوده است: «در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، ما به دلیل اینکه بیرون از کشور را به خوبی رصد کرده بودیم، می‌دانستیم که نامزد اصلاح‌طلبان فردی غیر از آقای خاتمی است. این در حالی بود که خاتمی ابتدا وارد صحنه انتخابات شده و همه گروه‌های اصلاح‌طلب از ایشان حمایت کرده بودند.»او سپس گفته است: «در جریان انتخابات، بهاییان، اصلاح‌طلبان، منافقان، سلطنت‌طلبان، سرویس‌های جاسوسی بیگانه و رئیس‌جمهورهای برخی کشورهای غربی در یک ائتلاف قرار داشتند و باید هدف این ائتلاف را حدس می‌زدیم.»شریعتمداری در همین سخنرانی گفته است: ما مشکلی به نام خواص آلوده و بچه‌های آلوده خواص داریم، هرچند میزان خواص آلوده ما از صدر اسلام کمتر است، ولی این مشکل وجود دارد. در صدر اسلام اگر خواص لغزش می‌کردند، تعداد زیادی از مردم نیز می‌لغزیدند ولی امروز اگر خواص لغزش کنند، سقوط خواهند کرد.»داوری وی درباره داوران اصلاحات نیز چنین بوده است: «در دوره اصلاحات با وجودی که قرائت‌های مختلفی از دین ارائه می‌شد، ولی هیچ کدام به سمت ظلم‌ستیزی حرکت نکردند. بنابراین یکی از خطوط تعیین‌کننده برای عوامل میدانی خودی و غیرخودی، میزان استکبارستیزی آنان است.»این تنها مطلب این ستون است که تحلیلی هرچند کوتاه بر آن ننوشته‌ام و آن را بر عهده خوانندگان می‌گذارم.

حرکت پراگماتیستی چین و تایوان

تایوان و چین دیروز یک قرارداد تاریخی ۱۰۰ میلیارد دلاری در بخش اقتصاد امضا کردند و مناسبات آنها وارد فصل جدیدی شد. چین تا چند سال پیش هر کشوری را که با تایوان مناسبات اقتصادی داشت، تحریم غیررسمی می‌کرد ولی اینک خود چنین روابطی را آغاز کرده است.ریز خبرهای قرارداد چین و تایوان را حتماً در جای خود می‌خوانید. من اینجا می‌خواهم بگویم زمان زیادی از آن تاریخ که تایوان خود را چین ملی می‌خواند و کرسی چین را در شورای امنیت اشغال کرده بود، نمی‌گذرد یعنی اینکه چین اصلی با بالای یک میلیارد نفر جمعیت جایی در سازمان ملل نداشت و تایوان کوچک که یک جزیره چین بود، نمایندگی چین را بر عهده داشت. بگذریم که حق به حق‌دار رسید و امروز چین است که می‌خواهد تایوان را به خود ملحق کند و حتی پیشنهاد داده است همان ساز و کار هنگ‌کنگ را دوباره تایوان بپذیرد ولی تایوان زیر بار نمی‌رود.گفتنی است قرارداد اقتصادی دو کشور در شهر چونگ‌کونیک امضا شده و این همان شهری است که در سال ۱۹۴۹ در آن قرار بود بین مائوتسه تونگ رهبر کمونیست چین و ژنرال چیان کای‌چک رهبر نیروهای ضدکمونیست قرارداد صلح امضا شود که سرانجامی نگرفت و ژنرال با نیروهایش به تایوان رفت و خود را رئیس‌جمهور چین ملی در برابر چین کمونیست اعلام کرد. طی این سال‌ها یعنی تا نزدیک سال ۲۰۰۰ حتی بعد از مرگ مائو و ژنرال، دشمنی بین بازماندگان ادامه داشت و در برهه‌ای چین برخی از جزایر کوچک تایوان را زیر توپ‌های ساحلی خود گرفت.اما اینک هر دو رویه‌ای پراگماتیستی در پیش گرفته‌اند و از سال ۲۰۰۰ ابتدا گفت‌وگوهایی غیررسمی را شروع کردند تا به گفت‌وگوهایی رسمی رسیدند. البته در تایوان و چین مخالفت‌های زیادی نیز با این قرارداد می‌شود مثلاً تایوانی‌ها بیم آن دارند که بازارشان مملو از کالای ارزان و بدون کیفیت چینی شود، چراکه کالاهای تایوانی کیفیتی همانند کالاهای ژاپنی دارند. هرچه باشد برداشتن چنین گام‌هایی در نزدیکی سیاسی چین و تایوان موثر است و می‌توان منتظر دوره‌ای شد که هر دو با اندکی انعطاف شبیه یکدیگر شوند. در آن روز هر دو یکی می‌شوند، حتی اگر دو حکومت داشته باشند.

وزیر امور خارجه ایران:

امریکا شانسی برای حمله ندارد

گروه سیاسی: روز گذشته متکی وزیر امور خارجه ایران نشست مطبوعاتی با رسانه‌ها برگزار کرد و به سوالات خبرنگاران در حوزه‌های مختلف در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پاسخ داد. وزیر امور خارجه ایران در مورد اظهارات دبیرکل سازمان ملل که خواستار ادامه مذاکرات با ایران شده و اعلام کرده بود تحریم‌های جدید علیه ایران باب مذاکرات را نمی‌بندد، گفت: برخی اظهار کردند تحریم‌ها راه‌حل دیپلماتیک را مسدود نمی‌کند و برخی جلوتر رفتند و گفتند این قطعنامه برای این است که راه دیپلماتیک را ادامه دهیم. موضع ما همواره نسبت به مذاکرات روشن و مشخص بوده است. می‌خواهند تجربه‌های شکست‌خورده‌ای را دوباره تجربه کنند.

به گزارش ایسنا، منوچهر متکی در کنفرانس خبری با خبرنگاران افزود: چرچیل می‌گوید امریکایی‌ها تا زمانی که همه راه‌های غلط را تجربه نکنند به رویکرد صحیح روی نمی‌آورند اما باید گفت دنیا نمی‌تواند منتظر آزمایش همه موارد غلط توسط امریکا باشد. متکی گفت: ما تاکید می‌کنیم مذاکره را همواره مد نظر داشته‌ایم، شما چه عجله‌ای داشتید که به سمت تصویب قطعنامه رفتید؟ آنها خود به این سوال پاسخ دادند که برای حفظ وجهه بوده است و یک هدف در تصویب این قطعنامه حفظ وجهه بوده است. بعد گفتند قطعنامه تصویب کردیم که مذاکره کنیم. باید از آنها پرسید شما برخی از این اعضا را به رای دادن در شورای امنیت دعوت کردید در حالی که پشت میز مذاکره بودند و تازه توافقنامه تهران را امضا کرده بودند که اتفاقاً آنها که پشت میز مذاکره بودند به قطعنامه شما رای منفی دادند.وی همچنین در مورد ادامه مذاکرات ایران گفت: آقای رئیس‌جمهور چارچوب‌هایی در بحث مذاکرات مطرح کرده است که ما بر اساس آن، دیپلماسی خود را در دست تنظیم داریم. اصل نگاه ما همواره حمایت از مذاکرات بوده است. مذاکرات باید هدفمند و منتج به نتیجه باشد و از مذاکرات مانند تهدید به عنوان یک ابزار استفاده نکنند.وی در پاسخ به پرسش دیگری در مورد تهدید ایران به حمله نظامی گفت: تهدید ایران پیش از اینکه به عنوان یک واقعیت قابل اجرا در دستور کار باشد به عنوان ابزار برای اهداف دیگری مطرح بوده است. در دو سال آخر دوران آقای بوش همواره این موضوع را مطرح می‌کردند که گزینه نظامی روی میز است. برخی از کشورها و برخی سرویس‌های اطلاعاتی نیز برای ما در دولت نهم مرتب خبر می‌آوردند که فلان روز یا فلان ساعت حمله نظامی صورت خواهد گرفت. آنچه همواره به عنوان سوال جدی مطرح بود این بود که آنها این ظرفیت را دارند که یکسری شیطنت‌هایی انجام دهند و حرکات ایذایی انجام دهند اما آنچه برای ما مشخص نبوده و نیست این است که تبعات آن چه خواهد بود. امروز نیز در محفوظات موجود هیچ تغییری ایجاد نشده است و ما گزینه نظامی را مانند جنگ‌طلبی بوش نسبت به ایران منتفی می‌دانستیم و استدلال‌های ما نیز روشن است. امریکا می‌خواست کدامین جبهه را فرماندهی کند؛ از مرز چین تا مرز فلسطین؟ آیا می‌توانست چنین جبهه‌ای را مدیریت و فرماندهی کند؟وی گفت: ما شانسی برای خود امریکا نمی‌بینیم تا چه برسد فرزند نامشروع آن که در بحران داخلی و منطقه‌ای‌اش گرفتار آمده و ان‌شاءالله این گرفتاری تا تعیین تکلیف این رژیم ادامه یابد.وزیر امور خارجه کشورمان در خصوص ارسال نامه‌هایی که قرار است از سوی ایران به ۱۵ عضو شورای امنیت ارائه شود، گفت: این نامه‌ها به تمامی ۱۵ عضو شورای امنیت ارسال شده است. وی در ادامه کنفرانس خبری خود همچنین درباره پاسخ ایران به سوالات گروه وین و نامه خانم اشتون اظهار داشت: پاسخ ایران به گروه وین در دست تهیه است و پاسخ به نامه خانم اشتون بعد از نهایی شدن اطلاع‌رسانی می‌شود. وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به اینکه اگر ۱ + ۵ شروط ایران را نپذیرد گام بعدی ایران چه خواهد بود، گفت: شرایط ایران نکاتی روشن است و آنها باید به بدیهیات پاسخ دهند. اگر کسی مدعی بحث هسته‌ای است و از او بپرسید نظرش درباره سلاح‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی چیست، آیا امری غیرمنطقی است؟ اجازه دهید پاسخ آنها را بگیریم. صرف نظر از اینکه پاسخ چه باشد آن وقت دیدگاهمان را مطرح می‌کنیم.منوچهر متکی در پاسخ به این پرسش که آیا مذاکرات مربوط به مبادله سوخت نیز به اواخر مردادماه موکول شده است، گفت: این مبادله به هماهنگی سه کشور ایران، ترکیه و برزیل نیاز دارد.

در دو هفته گذشته به دفعات ارتباطاتی میان وزرای خارجه سه کشور وجود داشته است. به این نیاز مشترک رسیده‌ایم که باید ادامه راه را دنبال کنیم. پیشنهاد تشکیل اجلاس سه‌جانبه وزیران خارجه در دستور کار قرار گرفت. امیدواریم تاریخ این نشست سه‌جانبه در یکی، دو روز آینده اعلام شود و در تماس‌های تلفنی‌ای که امروز و فردا در جریان است تاریخ برگزاری این نشست مشخص می‌شود.متکی درباره موضوع بررسی سطح رابطه ایران و انگلیس گفت: انگلیسی‌ها کماکان تصور می‌کنند حوزه‌های متعدد با کشورها و ملت‌ها که به طور سیستمی و نهادینه شده است، کماکان می‌تواند زیر سیطره آنها باشد. وی ادامه داد: معتقدیم روابط باید بازتعریف شود. آنچه از سوی نظام ماموریت داریم تنظیم روابط با کشورها است که گاهی افزایش و گاهی کاهش است. گفته‌اند هر کس می‌خواهد تحصیلات عالیه داشته باشد به آکسفورد و کمبریج رود! چه کسی چنین چیزی گفته است؟ اتفاقاً دانشجویانی که به انگلیس رفته‌اند و تحصیل کرده‌اند هدایت شده و روی تزهایی متمرکز شده‌اند که دانشجو خروارخروار اطلاعات از کشورش جمع کند و به آنها بدهد. چیزی که خودشان باید میلیون‌ها دلار هزینه کنند تا آن را به دست آورند. متکی گفت: حدود ۱۲ حوزه را بررسی کرده‌ایم که در دستور کار برای کالبدشکافی قرار گرفته است. فکر می‌کنیم انگلیس باید به قد و قواره خود برگردد.

اختلاف‌افکنان فتنه‌گر اصلی هستند

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اختلاف‌افکنان در شرایط فعلی را فتنه‌گران اصلی دانست و گفت: در شرایط فعلی کشور هر کس که اختلاف ایجاد کند، فتنه‌گر اصلی است.

مصطفی کواکبیان در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به تاکید اخیر مقام معظم رهبری بر اینکه هر نوشته و سخنی که انشقاق و اختلاف را در جامعه گسترش دهد، پذیرفتنی نیست، افزود: این تاکید بیانگر همین مساله است، اما شاهد بودیم که عده‌ای تحریک‌شده در مقابل مجلس بدترین تهمت‌ها و اهانت‌ها را به نمایندگان مجلس روا داشتند و آنان را جاسوس انگلیس و کارگزاران دانشگاه آزاد و خائن به ملت خواندند و با چنین تفکری حادثه‌ای را در قم آفریدند و در ۱۴ خرداد نیز آن حادثه‌آفرینی را در حرم مطهر انجام دادند که براین اساس باید توجه کرد امروزه هر گونه اختلاف‌افکنی همان فتنه‌آفرینی است.

کواکبیان با بیان اینکه امروزه میلیون‌ها دلار بودجه مصوب امریکا در مسیر اختلاف‌افکنی هزینه می‌شود و شبکه‌های اطلاع‌رسانی و حتی برخی سایت‌ها می‌خواهند بین شخصیت‌های اصلی نظام اختلاف ایجاد کنند، در عین حال پرسید: چه معنایی دارد که عده‌ای صرفاً به بهانه یک مصوبه مجلس این همه غوغاسالاری کنند؟ برخی فکر می‌کنند ماموران سیا چمدان‌های پول را حتماً باید به حساب مشخصی واریز کنند، در حالی که با ایجاد تفرقه نیازی به این‌گونه هزینه کردن‌ها نیست؛ بلکه ممکن است ما با برخی سخنان بدون اینکه بدانیم عامل قدرت‌های خارجی شویم، غافل از اینکه این حرف‌ها همان حرف‌های دشمنان است.

ضرورت وحدت و فضیلت اعتدال

ادامه از صفحه اول

جنگ تحمیلی البته فرصت‌هایی نیز برای کشور ما فراهم آورد تا جایی که رهبر فقید انقلاب اسلامی آن را به مثابه یک نعمت ارزیابی کرد. اما با این همه هیچ کس نمی‌توانست و نمی‌تواند اهمیت و حساسیت جنگ تحمیلی را به عنوان مساله اصلی کشور با تبعات جبران‌ناپذیر انکار کند یا نادیده انگارد. دقیقاً از همین زاویه بود که امام خمینی مقوله دفاع در برابر تجاوز دشمن را اولویت اول و در راس همه امور کشور اعلام می‌کرد. به سخن دیگر اینکه معضلات و بحران‌ها چه تاثیری بر سرنوشت ما می‌گذارند، یک چیز است و اینکه چقدر حساس و مهم و واجد اولویت هستند چیز دیگری است. بازگردیم به وضعیت کنونی کشور. پیش از هر چیز باید به چالش هسته‌ای ایران و گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در باب فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان اشاره کرد که چند سالی است مستمسکی برای مداخله شورای امنیت در ماجرا شده و موجب تصویب چند فقره تحریم علیه ایران نیز شده است. این قضیه حتی اگر از حیث تاثیرات عینی تحریم‌ها به زعم برخی کاملاً خنثی و بلااثر هم باشد، تبعات قابل توجه و جدی بر موقعیت کشورمان در مناسبات بین‌المللی دارد. کافی است وضعیت معکوس را مفروض بگیریم و فرض کنیم که تحریم‌ها در شورای امنیت به تصویب نمی‌رسید. آنگاه می‌توانستیم خود را در این هماوردی دیپلماتیک پیروز تلقی کرده و جشن بگیریم و در برابر رقبای جهانی خود نیز از موضع برتر و بالاتر سخن بگوییم. اینکه فقط دو کشور ترکیه و برزیل که خود درگیر ماجرای بیانیه تهران بودند، به تحریم ایران رای مخالف داده‌اند، نشانه مشتی دال بر قوت و توانمندی دستگاه دیپلماسی ما به شمار نمی‌آید.

از سوی دیگر در داخل کشور نیز مشکلات و معضلات متعددی ذهن نگران برخی مسوولان دست‌اندرکار یا دلسوزان حاشیه‌نشین را به خود مشغول کرده است. وضعیت اقتصاد در عرصه‌های مختلف از جمله تولید، صادرات یا قدرت خرید طبقات متوسط و محروم خیلی هم امیدوارکننده نیست. منازعات سیاسی داخلی هم که جای خود را دارد و به مراحل بی‌سابقه‌ای در ۲۹ سال گذشته رسیده است. همین مشکلات داخلی سبب شده برخی قدرت‌های خارجی فرصت را مغتنم شمرده و برای افزایش فشارها بر ایران زمینه‌چینی کنند و موازنه قدرت را در خاورمیانه به نفع خود و متحدان‌شان به هم بزنند. این فهرست را هم می‌توان طولانی‌تر کرد و هم می‌توان با آب و تاب بیشتری شرح و تفصیل داد اما به نظر می‌رسد ضرورتی در کار نباشد چرا که همگان فهمی کمابیش مشترک یا دست‌کم نزدیک به هم از خطیر بودن اوضاع کنونی کشور داشته باشند و اگر لازم باشد، می‌توان به سخنان مقامات عالی‌رتبه نظام نیز در این زمینه استناد کرد.

با این تفاصیل شاید هیچ مقوله‌ای مهم‌تر از وحدت و همبستگی ملی برای افزایش توان کشور و دستگاه مدیریت کلان آن در مقابله با مشکلات نباشد. وحدت و همبستگی ملی همیشه ضروری است و مهم اما در این شرایط یا شرایط مشابه از ضرورت و اهمیت بیشتر برخوردار است. کشور ۷۰ میلیونی ایران را با وسعتی رشک‌برانگیز در میانه چند منطقه استراتژیک نمی‌توان با تکیه بر یک جناح یا یک طیف از یک جناح و بی‌توجه به دیگر دیدگاه‌ها و سلیقه‌های فکری و سیاسی اداره کرد. برای اداره ایران و رفع مشکلات آن در این برهه حقیقتاً حساس باید همه نیرو و توان موجود در کشور را به کار گرفت و این کار البته مستلزم لوازمی است که بیان آن مجالی دیگر می‌طلبد. اما در میان همه آن لوازم یکی مهم‌تر از دیگران است و آن هم فضیلت اعتدال و میانه‌روی است. میانه‌روی یک فضیلت اخلاقی یا به تعبیر درست‌تر معیار فضایل اخلاقی است. اما این فضیلت از جمله فضایل سیاسی در اخلاق مدنی و شهروندی نیز هست. متاسفانه به هر دلیل سال‌ها و بلکه دهه‌هاست که اعتدال به فضیلت‌های فراموش شده در اخلاق سیاسی جامعه ما پیوسته است. اما اینک به عنوان یکی از لوازم وحدت ملی سخت به آن نیازمندیم. اگر شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی تاثیرگذار به نقطه اعتدال و میانه‌روی برسند و از افراط و تفریط‌های نابجا و بعضاً خطرآفرین بپرهیزند، می‌توان در چشم‌انداز آینده ایران عزیز به بازگشت وحدت ملی به عنوان یک ضرورت تاریخی امیدوار بود. بد نیست یک بار هم که شده، جریان‌های سیاسی ایران هم در سویه حاکمیت و قدرت سیاسی و هم در سویه مخالفان و منتقدان ظرفیت‌های تازه‌ای از خود به نمایش بگذارند و نشان دهند که نفع و امنیت ملی را در ورای اختلافات و منازعات جناحی ارج می‌نهند.

اصولگرایان درباره اختلافات خود چه نظری دارند

اختلاف اصولگرایان کار اصلاح‌طلبان است

گروه سیاسی،ریحانه طباطبایی: محمدرضا باهنر در کنگره جامعه اسلامی مهندسین یکی از تهدیدات موجود در جبهه اصولگرایی را بخش کوچکی از خود این جریان نامید که رفتار خود را برای حذف و بی‌تاثیر کردن دیگر بخش‌های اصولگرایی هر روز شفاف‌تر و صریح‌تر می‌کند و برای افزایش سرمایه اجتماعی نه‌تنها به دنبال جذب هرچه بیشتر نخبگان نیست، بلکه حضور نخبگان درون جریان اصولگرایی را نیز برنمی‌تابد. باهنر حل این مشکل را نیز در گرو جمع شدن چهره‌های نام‌آشنای جبهه اصولگرایی می‌داند که می‌توانند با داوری صحنه اجازه ندهند تندروی یا کندروی ثقل حرکت را از تعادل خارج کند. به نظر می‌آید رفتارهای اخیر در مجلس مبنی بر تهدید به اخراج علی مطهری نماینده اصولگرای مجلس از فراکسیون اصولگرایی، برخوردهای صورت‌گرفته با محمدرضا باهنر هنگام انتخاب هیات رئیسه مجلس، دعواهای اخیر برخی چهره‌های اصولگرایی در مجلس و ... سبب شده دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین چنین هشداری دهد و از چهره‌های شاخص اصولگرایی بخواهد تا برای داوری و پادرمیانی وارد میدان شوند تا جبهه اصولگرایی دچار انشقاق و تفرقه نشود. البته تمامی نیروهای اصولگرا این برخوردها و صحبت‌ها را اختلاف در بین نیروهای اصولگرا نمی‌دانند و اتفاقاً این قبیل بحث‌ها را تمرینی برای گفت‌وگو و عادت کردن به وجود آرای مختلف در جامعه می‌دانند. در این خصوص حمیدرضا ترقی در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «نمی‌توان انتظار داشت که تمامی اصولگرایان به یک شکل فکر کنند و اختلاف نظر بین آنان نباشد.» وی افزود: «بین تمامی گروه‌ها و احزاب اختلاف نظر و اختلاف فکر است و لازمه اصولگرایی تضارب آرا و افکار است. افراد باید بتوانند خارج از قالب‌های معمول و سانسور نظرات خود را بیان کنند و این مساله جنبه مثبت دارد.» عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی خاطرنشان کرد: «اگر افرادی نیز عملکرد اشتباه داشته‌اند باید نقدها را بپذیرند اما منتقدان نیز نباید از مسیر عدالت و انصاف خارج شوند و اختلاف سلیقه‌ها نباید منجر به کدورت شود.» ترقی انتقادها را مثبت و سازنده دانست و در خصوص گروه‌ها و افرادی که برخوردهای حذفی با منتقدان می‌کنند، گفت: «اگر چنین افراد و گروه‌هایی نیز در جریان اصولگرایی وجود داشته باشند باید بدانند اختلاف نظر بین اعضای یک جریان طبیعی است و همه حق دارند نظرات متفاوتی داشته باشند و اختلاف سلیقه نباید منجر به حذف دیگران شود.» وی درخصوص گروه‌های افراطی در جریان اصولگرایی نیز خاطرنشان کرد چنین گروه‌هایی در جریان اصلاح‌طلبی نیز وجود داشتند که بقیه گروه‌ها و افراد را با خود به هر راهی حتی ته چاه می‌کشاندند. وی در خصوص راه‌حل کاهش این‌گونه مشکلات نیز گفت: «به طور طبیعی مذاکرات و تعاملات درون‌حزبی می‌تواند نقش موثری برای ایجاد فضای گفت‌وگو و تفاهم به وجود آورد. چنین صحبت‌ها و گفت‌وگوهایی خصوصاً بین احزاب همگرا می‌تواند بسیار موثر باشد خصوصاً که اگر گفت‌وگوها چهره به چهره باشد.»

ترقی درخصوص عدم حضور اعضای حزب موتلفه اسلامی در کنگره جامعه اسلامی مهندسین تاکید کرد: «ما به آن جلسه دعوت شده بودیم و دوستان دعوتنامه نیز فرستاده بودند اما متاسفانه کنگره جامعه اسلامی مهندسین و اجلاس سراسری دبیران حزب موتلفه همزمان شده بود و نتوانستیم در کنگره آنان شرکت کنیم.»

حجت‌الاسلام جعفر شجونی نیز معتقد است اختلافی بین اصولگراها نیست و این اصلاح‌طلبان هستند که می‌خواهند با ایجاد تفرقه و نفاق بین اصولگرایان به نفع خود اوضاع کشور را نابسامان کنند. وی به «شرق» گفت: «مشکلی بین اصولگرایان وجود ندارد و این اصلاح‌طلبان هستند که می‌خواهند اختلاف سلیقه‌های کوچکی که وجود دارد را چماق کرده و به نفع خود سوءاستفاده کنند.» شجونی خاطرنشان کرد: «اصولگراها نیز مانند تمامی مردم بگومگوهای خودشان را دارند و تمامی آنها حول محور ولایت متحد رو به جلو حرکت می‌کنند.»

این عضو جامعه روحانیت مبارز تاکید کرد: «در مجموع این آرزوی اصلاح‌طلبان برای ایجاد اختلاف و تفرقه بین اصولگرایان هیچ گاه محقق نخواهد شد و چهره‌های اصولگرا با عقل و درایت اختلافات درون‌خانوادگی را حل خواهند کرد.» مرتضی نبوی عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین نیز در حاشیه کنگره جامعه اسلامی مهندسین در خصوص اینکه چرا بخشی از جریان اصولگرا هیچ‌گونه نقدی را برنمی‌تابد و درصدد حذف برخی دیگر از چهره‌های اصولگرا است، گفت: «این موضوع تنها به جریان اصولگرا اختصاص ندارد و بالاخره در کشور ما یک عده مقتدرند و یک عده افراطی و شاید این افراد افراطی تمامیت‌خواه نیز باشند، این موضوع متوجه هر گروه یا جریان افراطی است که در حقیقت حیات سیاسی‌ای برای دیگران قائل نیستند و فکر می‌کنند که آنان حق مطلق هستند. البته این موضوع نیاز به تفسیر دارد اما من در مقامی نیستم که بتوانم بگویم چه کسانی افراطی هستند و چه کسانی افراطی نیستند.»

نگرانی ریاض از گسترش هژمونی ایران

به امریکستان خوش آمدید

گروه سیاسی ،ارشاد علیجانی: نام «عربستان سعودی» که به گوش می‌رسد، شاید تصاویر گوناگونی به ذهن متبادر شود. چاه نفت، صحرایی لم یزرع یا ده‌ها تصویر دیگر. اما در ذهن مردم ایران، عربستان شاید حدود سه دهه است که به یک رقیب منطقه‌ای نیز بدل شده؛ رقیبی که سعی می‌کند تا خود را از زیر سایه تاریخی ایران در منطقه و مصر در دنیای عرب خارج کند و برای این هدف مسیر «عملگرایی» را انتخاب کرده است، چه این مسیر منتهی به نزدیکی با اسرائیل باشد چه التزام به سیاست‌های امریکا. ملک عبدالله قرار است امروز برای دومین بار با رئیس دولت ایالات متحده امریکا دیدار کند تا طبق اعلام رسمی طرفین، پیرامون مسائل امنیتی عربستان، تحریم‌های ایران و موضوعاتی از این قبیل گفت‌وگو کنند. به نظر می‌رسد در این گفت‌وگوها اوباما خواستار سکوت همچنانی ریاض حول مساله فلسطین و اسرائیل و کمک این کشور به کنترل طالبان پاکستان شود و قاعدتاً عربستان نیز خرید ۷۲ جت جنگی «اف-۱۵ ایگل» خود از ایالات متحده را پیگیری می‌کند تا قدرت دفاعی خود را افزایش دهد. سابقه روابط گرم واشنگتن- ریاض به سال‌های نه چندان دوری بازمی‌گردد که کشوری با این نام ایجاد شد و کمپانی‌های امریکایی زیر شن‌های روان این کشور نوساز دریایی از نفت را یافتند. عربستان تا پیش از انقلاب اسلامی در ایران تنها یک فروشنده خوب نفت برای کاخ سفید بود و امریکا نیز یک کیسه پرپول برای امیران جدید سرزمین «عربستان سعودی»؛ اما پس از انقلاب جمهوری اسلامی ایران و از دست رفتن متحد شماره یک امریکا در خاورمیانه و از دست رفتن کنترل صدام‌حسین دوران معاشقه واشنگتن- ریاض آغاز شد. توماس لیپمن کارشناس مسائل عربستان در مورد رابطه این کشور و امریکا معتقد است: شکافی بین امریکا و عربستان به مثابه دو متحد نزدیک در مسائل مختلف وجود ندارد اما عربستان در برخورد با راه‌حل‌های منطقه‌ای امریکا تنها در برخی مسائل دچار شک است که عمده این مسائل مربوط به ایران و افغانستان می‌شود اما در روزهای ابتدایی که باراک حسین اوباما با طرح معروف خود، «گفت‌وگو با ایران»، دست نئوکان‌ها را از کاخ سفید کوتاه کرد، نگرانی در دل شیخ‌های سعودی لانه کرد که با بهتر شدن روابط تهران- واشنگتن، آنها دیگر متحد شماره یک در منطقه نباشند. مصطفی الآنی مدیر بخش مطالعات دفاعی مرکز خلیج فارس در دوبی نیز در این چارچوب می‌گوید: سعودی‌ها تنها می‌خواهند حس کنند امریکایی‌ها یک برنامه برای منطقه دارند و این حس در کنار آنکه امریکا قدرت منطقه خلیج‌فارس باشد، باعث می‌شود آنها احساس اعتماد به نفس کنند. در دیدار چند ماه پیش هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا با سعودالفیصل وزیر امور خارجه عربستان، وزیر سعودی از طولانی شدن فرآیند تحریم‌های ایران از امریکا انتقاد کرد و گفت: «ما این مساله را به صورت فرآیندی کوتاه‌مدت‌تر نگاه می‌کنیم چراکه ما به تهدید نزدیک‌تر هستیم؛ ما نیازمند یک قطعنامه فوری هستیم.» اما آیا به راستی عربستان نگران برنامه هسته‌ای ایران است؟ احتمالاً جواب بسیاری از کارشناسان به این سوال می‌تواند «خیر» باشد. علاوه بر اینکه ایران همواره اذعان کرده هدف برنامه هسته‌ای‌اش کاملاً صلح‌آمیز است، هیچ‌گاه در عصر مدرن تهدیدی برای هیچ کشوری نبوده است و حتی انگیزه‌ای نیز برای چنین تهدیدی از سوی تهران قابل تصور نیست؛ مشکل اعراب هژمونی ایران در منطقه به نظر می‌رسد. عربستانی که تلاش می‌کند خود را از زیر سایه تهران خارج کند، موضوع هسته‌ای را دستاویزی مناسب یافته تا از سویی ایران را تحت فشار قرار دهد و از سوی دیگر با نزدیکی بیشتر به واشنگتن خود را در سطح قدرت‌های اول منطقه نگه دارد. نگرانی اعراب منطقه به رهبری ریاض پیرامون نفوذ و تحت‌الشعاع قرار گرفتن در معادلات منطقه پس از روی کار آمدن اوباما؛ رئیس‌جمهوری که از سیاست «گفت‌وگو با ایران» حرف زده بود بیشتر نیز شد، چراکه در صورت نزدیکی واشنگتن به تهران، کاخ سفید دیگر نیاز به اتحاد با عربستان نخواهد داشت و شاید آنگاه مشکلات عمیق حقوق‌بشر و دموکراسی در این کشور علاوه بر معضل پرورش و تامین مالی بسیاری از اعضای القاعده در عربستان به عامل فشاری بر پادشاهی عربستان که از نظر داخلی نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو است، بدل شود چراکه واشنگتن برای حل معضلات خود در افغانستان، عراق و دیگر نقاط داغ خاورمیانه دیگر به همکاری ریاض نیاز نخواهد داشت. تنها چند روز پس از پیروزی اوباما در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا و پیش از آنکه قدرت به دموکرات‌ها تحویل داده شود، وزرای خارجه عرب منطقه، دیداری با کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه وقت امریکا در شرم‌الشیخ مصر برگزار کردند؛ در آن دیدار «صلاح بشیر» وزیر امور خارجه وقت اردن خطاب به رایس گفت: «شما از بمب اتمی ایران می‌ترسید ولی ما از هژمونی رو به افزایش ایران در منطقه می‌ترسیم.» اما کاندولیزا رایس در پاسخ به این نگرانی اعراب در اجلاس شرم‌الشیخ عنوان کرد: «من نمی‌توانم از سوی دولت آتی امریکا